

<https://www.aftabekherad.ir>

## **Social values and values education**

Mimar Turkkahraman

Akdeniz University, Antalya, Turkey

Salman Safdari

social researcher, translator

Hosna Tohidifar

social researcher, translator

**Received: 2017/01/15**

**Accepted: 2017/01/28**

### **Abstract**

In this study, social values and their implementation educational in environments are discussed from both a global and national perspective, and their structural and functional aspects are described in detail. In addition, an appropriate method for teaching values is proposed and a model of the relationships between these concepts is described. Social values represent the ideal foundations of thinking and acting in a society. It can be argued that the increasing gap between the ways of thinking and behaving of an ideal society and the real world is the main factor creating a number of social problems and issues; therefore, the overlap and unity of real-world and ideal-world values is very important. Understanding and explaining the very complex nature of values in global and national situations and contexts and explaining and realizing them in an appropriate manner is the most important condition for building and creating a peaceful society and world.

**Keywords:** value, classification of values, culture, education, values education

## ارزش‌های اجتماعی و آموزش ارزش‌ها

Mimar Turkkahraman<sup>۱</sup>

سلمان صفدری<sup>۲</sup>

حسنا توحیدی‌فر<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶

### چکیده

در این مطالعه، ارزش‌های اجتماعی<sup>۴</sup> و پیاده‌سازی آنها در محیط‌های آموزشی هم از نگاه جهانی و هم ملی مورد بحث قرار گرفته و جنبه‌های ساختاری و کارکردی آنها به تفصیل شرح داده شده است. به علاوه شیوه مناسبی برای آموزش ارزش‌ها پیشنهاد شده و الگوی روابط بین این مفاهیم تشریح شده است. ارزش‌های اجتماعی، بنیان‌های ایده‌آل از تفکر و عمل در یک جامعه را نشان می‌دهد. می‌توان استدلال نمود که افزایش شکاف بین شیوه‌های تفکر و رفتار یک جامعه ایده‌آل و دنیای واقعی، عامل اصلی به‌وجودآورنده شماری از مشکلات و مسائل اجتماعی است؛ بنابراین همپوشانی و یگانگی ارزش‌های دنیای واقعی و دنیای ایده‌آل بسیار مهم است. درک و توضیح ماهیت بسیار پیچیده ارزش‌ها در موقعیت‌ها و زمینه‌های جهانی و ملی و تبیین و تحقق آنها به شیوه‌ای مناسب، مهم‌ترین شرط ساخت و ایجاد یک جامعه و جهان صلح‌آمیز است.

**کلیدواژه‌ها:** ارزش، طبقه‌بندی ارزش‌ها، فرهنگ، آموزش، آموزش ارزش‌ها

<sup>۱</sup>. Akdeniz University, Antalya, Turkey

<sup>۲</sup>. سلمان صفدری، پژوهشگر اجتماعی، مترجم - [sn.safdarii@gmail.com](mailto:sn.safdarii@gmail.com)

<sup>۳</sup>. حسنا توحیدی‌فر، پژوهشگر اجتماعی، مترجم

<sup>۴</sup>. Social Values

## مقدمه

در سال‌های اخیر افزایش و سرعت تغییرات اجتماعی — اقتصادی و تکنولوژیکی و بسیاری مشکلات و مسائل اجتماعی دیگر در بسیاری از جوامع به دلیل عدم کفایت انتقال ارزش‌ها به نسل‌های جدید ایجاد شده است. افزایش این مسائل و مشکلات در محیط‌های اجتماعی، خانه و مدرسه مرتبط با ارزش‌ها است؛ برای مثال: خشونت اجتماعی و عدم تحمل و بردباری از جمله مسائلی هستند که به ارزش‌ها مرتبط می‌شوند. اعتقاد بر این است که مؤثرترین شیوه هم برای اجتناب و هم کاهش سطح چنین مشکلاتی که نظم اجتماعی را مختل می‌کند، ناشی از ناکارآمدی فرآیند آموزش مؤثر و مناسب ارزش‌ها است. همچنین بسیاری از مشکلات دیگر اجتماعی مثل اختلال در صلح جهانی و اجتماعی نیز ناشی از عدم همگرایی و انسجام حول ارزش‌ها است. بسیاری از کسانی که دچار اختلال و یا تمایزجویی رفتاری و هنجاری ارزش‌ها می‌شوند، از آموزش کافی ارزش‌ها و پذیرش و درونی‌سازی آنها محروم بوده‌اند. ارزش‌ها از یک سو مهم‌ترین مکانیزم کنترل اجتماعی به شمار می‌روند و از سوی دیگر آموزش و انتقال ارزش‌ها برای تحقق انسجام اجتماعی در هر دو سطح ملی و جهانی بهترین راه حل محسوب می‌شوند.

۱- ارزش<sup>۱</sup>

کلمه ارزش منعکس‌کننده اهمیت، منزلت، مطلوبیت و توجه به همه اموری است که به آن باز می‌گردد (Soykan, 2007). به عنوان یک مفهوم جامعه‌شناختی، ارزش‌ها به یگانگی‌ها و مطالبات مشترک اشاره دارد و در حقیقت ارزش‌های اجتماعی، اعتقادات اخلاقی و اصولی هستند که برای حصول اطمینان از تداوم جامعه توسط اکثریت افراد پذیرفته شده است (Ergil, 1984). ارزش‌ها علاوه بر این ویژگی‌ها از «هست‌ها» سخن نمی‌گویند بلکه «بایدها»یی را که از ضروریات اخلاقی و آرمانی جامعه به نمایش می‌گذارند (Inkeles, 1964). در این نگاه، ارزش‌ها به عنوان مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و معیارهای حقیقت هستند که توسط یک جامعه پذیرفته شده است. هنگامی که می‌گوییم از چیزهای مشابه لذت می‌بریم و چیزهای مشابه را زیبا می‌یابیم در حقیقت به معنای مشترکی از ارزش‌ها رجوع می‌کنیم. آنچه جامعه‌شناسان «آگاهی جمعی» می‌نامند، فلاسفه، «روح عینی» می‌نامند وجود بنیان‌هایی هستند که در حیطه ارزش‌های مشترک قرار دارند (Ülken, 2001). روشن است بدون وجود جامعه، هیچ ارزش زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی پدید نمی‌آید، تنها در جامعه است که زبان، مذهب، اخلاقیات، هنر و سنن می‌توانند به عنوان هسته پذیرفته شده اجتماعی بروز نمایند. انسان به عنوان یک ارگانیزم، به جهان آمده

---

<sup>۱</sup>. Value

است تا رویاها، آرمان‌ها، هنجارها، اخلاق، هنر و مذهب را با استفاده از رشد و مبدل شدن از یک ارگانیزم به یک هویت، بیاموزد (Türkdoğan, 1982). منش یا صفات انسانی چیزی است که انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان هنگامی به کار می‌برند که آنها نمای جامعه از ارزش‌ها را که از یک کلمه یونانی به معنای رفتارهای مشترک گرفته شده است، معنا می‌بخشند (Doğan, 2011).

ارزش‌هایی که الهام بخش‌اند و توسط جامعه الهام داده می‌شوند، هم می‌توانند ارزیابی‌شونده و هم ارزیابی‌کننده باشند. (همانگونه که «صداقت»<sup>۱</sup> یک ارزش است و «نفاق»<sup>۲</sup> یک ضدارزش محسوب می‌شود) و در اصل، ارزش‌ها باید به عنوان واقعیت‌ها و امور مثبت در نظر گرفته شوند. ارزش‌ها به عنوان امور انتزاعی، مردم را به تفکر ایده‌آل و رفتارهای خاصی مانند سخت‌کوشی در تمام زمان‌ها هدایت می‌کنند. از این رو ارزش‌ها، روایات مبتنی بر اعتقاداتی هستند که رویکرد ما را به امور و وقایع شکل می‌دهند (Ülgener, 1991). به این ترتیب ارزش‌ها آنچه «خوب» یا «بد» است را تعیین می‌کنند و به عنوان امری انتزاعی، مردم را هدایت می‌کنند. انسان، جهان و دانش را با آنچه به عنوان ارزش می‌شناسد ارزیابی می‌کند. انسان چیست؟ زندگی چیست؟ جهان چیست و چگونه به وجود آمده است، ارزش و عملکرد آن چیست؟ واژه‌هایی مانند اقتصادی دانستن انسان<sup>۳</sup>، ماشینی بودنش و یا خلق وی توسط خدا، تماماً ادراکات و نظام‌های ارزشی‌ای هستند که از این ایده‌ها نشأت می‌گیرند (Coser, 1977). استمرار ارزش‌ها بخصوص در قرن ۲۱ به دلیل شرایط این عصر که با پیشرفت‌های تکنولوژیکی مشخص می‌شود، اهمیت دارد. همچنین در این دنیای جهانی شده، تنظیم و مقرر نمودن اصول و معیارهای آموزش ارزش‌ها در شرایطی که ارزش‌ها بدون مرز در سراسر دنیا منتشر می‌شود بسیار مهم است:

## ۱-۱ سلسله مراتب ارزش‌ها

برخی ارزش‌ها مانند «کار کردن»، «تولید» و «صداقت» از دیگر ارزش‌ها در زندگی اجتماعی (در برخی جوامع) مهم‌تر هستند و همچنین افراد به مطلوب‌های خود یک به یک و یکی پس از دیگری دست می‌یابند. از این رو ما همیشه می‌توانیم در مورد ساختار سلسله‌مراتبی ارزش‌ها مانند یک هرم صحبت کنیم و هر آنچه در پس موفقیت فرد است یک یا دو ارزش نیست بلکه مجموعه‌ای از ارزش‌هاست.

<sup>۱</sup>. Honesty

<sup>۲</sup>. Intricacy

<sup>۳</sup>. Homo Economic

ارزش‌ها یک ساختار سلسله‌مراتبی را در دنیای ادراکی ما پدید می‌آورند. برخی «ارزش‌های ابزاری»<sup>۱</sup> که در پایین‌ترین قسمت دنیای ادراکی قرار دارند در حالی که برخی ارزش‌های متعالی‌تری نیز در نظام ارزشی افراد وجود دارد که بدین طریق نوعی از سلسله‌مراتب در ارزش‌ها شکل می‌گیرد. در بالاترین سطح، «ارزش‌های غایی»<sup>۲</sup> مانند «یگانه‌پرستی» در مذهب، «دموکراسی» در جامعه، «تک‌همسری» در خانواده و «عدالت» در زندگی اجتماعی قرار دارند که همگی در تعاملات یک جامعه پدیدار می‌گردند (Aydın, 2011). تقریباً در تمامی جوامع، ارزش‌های مهم‌تری وجود دارد که به عنوان معرف‌های مهمی از استمرار و رفاه آن جامعه تعریف شده‌اند. در سلسله‌مراتب ارزش‌ها، ارزش‌های سطح بالا در همه عرصه‌ها اهمیت دارند، برای مثال «عدالت»<sup>۳</sup> در تمام زمینه‌ها مثل اقتصاد، سیاست و خانواده ارزش محسوب می‌شود. از این نظر سلسله‌مراتب ارزش‌ها باید برای تکامل و توسعه همکاری به منظور تحقق جامعه مطلوب عمل نمایند.

## ۱-۲ دسته‌بندی ارزش‌ها

ارزش‌ها به شیوه‌های متفاوت قابل دسته‌بندی و گونه‌شناسی هستند؛ برای مثال می‌توان ارزش‌ها را با توجه به «ماهیت و محتوای» آن دسته‌بندی کرد، مثل ارزش‌های زیباشناختی، علمی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. همچنین می‌توان ارزش‌ها را بر مبنای دامنه و گستره آنها مثل ارزش‌های اجتماعی، ملی و جهانی دسته‌بندی کرد و بالاخره اینکه می‌توان ارزش‌ها را براساس مدرن یا سنتی بودن و یا براساس روند و فرایند آن (شیوه‌های تغییر) طبقه‌بندی کرد. در این تحقیق تلاش خواهیم کرد ارزش‌ها را به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری گستره و دامنه آنها در سطح جامعه و جهان بر مبنای سطح و گستره آنها طبقه‌بندی کنیم.

## ۱-۳ ارزش‌ها بر مبنای وسعت و گستردگی

### ۱-۳-۱ ارزش‌های اجتماعی

«ارزش‌های اجتماعی»<sup>۴</sup> در حقیقت معیارهای مشترکی هستند که اکثریت جامعه آن را به عنوان یک حس ایده‌آل پذیرفته و قادر است جامعه را به سوی وضعیت مطلوب‌تری هدایت کند. همچنین ارزش‌های اجتماعی، زندگی روزمره را تنظیم و سازماندهی می‌نمایند. ارزش‌هایی مانند

<sup>۱</sup>. Tools Values

<sup>۲</sup>. Terminal Values

<sup>۳</sup>. Justice

<sup>۴</sup>. Societal Values

صداقت<sup>۱</sup>، شایستگی<sup>۲</sup>، تعاون، امدادسانی<sup>۳</sup> و تواضع<sup>۴</sup> نمونه‌ای از این ارزش‌های اجتماعی هستند. از نگاه جامعه‌شناختی، ارزش‌های واقعی به صورت ایده‌آل، تنها برای یک جامعه منحصر به فرد است؛ از اینرو، ارزش‌ها در یک لحظه زمانی خاص و برای یک گروه خاص واجد اصالت بوده و اساسی محسوب می‌شوند (Doğan, 2011). «ارزش‌های فردی»<sup>۵</sup> نیز مانند ارزش‌های اجتماعی مهم هستند، چراکه ارزش‌های فردی به سؤالاتی مانند اینکه کدام ارزش‌ها باعث ارتقاء فرد می‌شود و یا به فرد الهام می‌بخشد پاسخ می‌دهد. الکس لاو و میشل وایتز (Alex Law and Michael Weitz) ارزش‌های فردی را به عنوان «قدرت‌های الهام‌بخش»<sup>۶</sup> تعریف می‌کنند (Bacanli, 2011).

### ۲-۳-۱- ارزش‌های ملی<sup>۷</sup>

ارزش‌های ملی، ارزش‌هایی هستند که برای وحدت و موجودیت یک ملت ضروری‌اند. برای مثال برای هر کشور تقدس پرچم، عشق به کشور و حفظ تمامیت عرضی کشور در بین ارزش‌های ملی قرار دارد. این ارزش‌ها اساساً برای وجود و ارتقاء در جهان به عنوان یک ملت متمایز اهمیت دارد (Doğan, 2011). ارزش‌های ملی، ما را در قالب یک کشور به یکدیگر پیوند داده و از سایر کشورها متمایز می‌کند. ارزش‌های اجتماعی و ملی در تضاد با هم نیستند، بلکه بالعکس روی یکدیگر بنا شده‌اند. از این نظر هیچ ارزش اجتماعی نمی‌تواند علیه ساختار قانون اساسی کشور باشد که بر مبنای ارزش‌های ملی تعریف شده است.

### ۳-۳-۱- ارزش‌های جهانی<sup>۸</sup>

ارزش‌های جهانی، ارزش‌هایی هستند که در بین همه جوامع مشترکند. فقط ارزش‌های سنتی از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت بوده و در خلال زمان تغییر می‌یابند. جهانی شدن، ابعاد جدیدی را برای جوامع مدرن به همراه دارد که در اصل از جوامع سنتی متمایز نمی‌باشد. به عبارت

---

<sup>۱</sup>. Honesty

<sup>۲</sup>. Sedulity

<sup>۳</sup>. Helpfulness

<sup>۴</sup>. Modesty

<sup>۵</sup>. Individual Values

<sup>۶</sup>. Inspirational Powers

<sup>۷</sup>. National Values

<sup>۸</sup>. Global Values

دیگر، جوامع از مفاهیمی مثل فضیلت<sup>۱</sup> و اخلاق<sup>۲</sup>، روابط همسایگی<sup>۳</sup>، اعتماد<sup>۴</sup> و حمایت<sup>۵</sup>، وفاداری<sup>۶</sup> و خیانت<sup>۷</sup>، رازداری<sup>۸</sup> و حریم خصوصی<sup>۹</sup>، عشق<sup>۱۰</sup> و بردباری<sup>۱۱</sup>، احترام<sup>۱۲</sup> و ترس<sup>۱۳</sup> دارند تحت تأثیر جهانی شدن، هم تغییر کرده و هم روبه زوال می‌گذارد. ارزش‌های جهانی که ارزش‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند عبارتند از: دانش و آگاهی، فرهنگ رقابت، بهره‌وری، دموکراسی، حقوق بشر، اقتصاد بازار آزاد و فردیت که فردیت مهم‌ترین ارزش جامعه پست‌مدرن است (جامعه دانایی)<sup>۱۴</sup>. ارزش‌های جهانی به ارزش‌های اجتماعی وابسته و مربوط نیستند، اما جهانی هستند، اگرچه گفته شده به گزینش‌های اجتماعی هر جامعه بستگی دارد. برای مثال، یک فرد هم می‌تواند در مرحله جهانی بماند هم در قلمرو اجتماعی جامعه خود. مسئله اصلی این است که یک جامعه سنتی که با ارزش‌های سنتی تعریف می‌شود، چگونه می‌تواند فراتر از محدودیت‌های جامعه خود رود؟ (Doğan, 2011).

نباید فراموش شود که علم و تکنولوژی نیز دو ارزش هستند. طبق نظر مک‌کلند (D. McClelland)، رشد و تکامل جوامع غربی و انتقال آنان به جوامع صنعتی متکی بر «شخصیت‌های مکتسب»<sup>۱۵</sup> است. در حالی که هیگن (E. Hagen) دلیل اصلی این تحول را در شخصیت «نوآور و خلاق»<sup>۱۶</sup> ارزیابی می‌کند (Barbu, 1971). از این رو یک جامعه می‌تواند آینده روشنی داشته باشد، اگر بتواند افراد نوآور و خلاق دارای شخصیت مکتسب را تربیت کند نه شخصیت‌های محول را.<sup>۱۷</sup>

---

<sup>۱</sup>. Virtue

<sup>۲</sup>. Moral

<sup>۳</sup>. Neighborhood relations ships

<sup>۴</sup>. Trust

<sup>۵</sup>. Patronage

<sup>۶</sup>. Fidelity

<sup>۷</sup>. Betrayal

<sup>۸</sup>. Secrecy

<sup>۹</sup>. Privacy

<sup>۱۰</sup>. Love

<sup>۱۱</sup>. Tolerance

<sup>۱۲</sup>. Respect

<sup>۱۳</sup>. Fear

<sup>۱۴</sup>. Knowledge Society

<sup>۱۵</sup>. Achieving Personality

<sup>۱۶</sup>. Innovational/ creative personality

<sup>۱۷</sup>. شخصیت «مکتسب» فردی است که خود در نتیجه تلاش و خودسازی، شخصیت خویش را ساخته و به آن دست یافته است، در حالی که شخصیت «محول» مربوط به شخصیتی است که در کسب شخصیت و موقعیتش سهمی ندارد و با استفاده از پایگاه اجتماعی یا موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانوادگی به او محول شده است.

### ۳- وظایف یا کارکرد ارزش‌ها

ارزش‌ها در نظام اجتماعی همواره در تمامی فرایندهای زندگی و فعالیت‌های اجتماعی از آغاز تا پایان نقش‌آفرین هستند؛ چون آنها قدرت‌هایی هستند که در جهان آگاهی و ضمیر آنها جریان می‌یابند. بشر و اجتماعات بشری از طریق ارزش‌ها تداوم می‌یابند. ثروت هادی یک جامعه به ادراک، اعتقاد و ارزش‌هایی بستگی دارد که آن جامعه از آنها برخوردار است. این نمادهای فرهنگی نقشه راهی هستند که شیوه حرکتی فرد و جامعه را تعیین می‌کند. به عنوان استنتاج می‌توان گفت تقریباً در همه جوامع، مردم، ارزش‌ها را جدی گرفته، منافع خود را برای آن قربانی می‌کنند، برای آنها مبارزه کرده و حتی برای آنها می‌میرند. با توجه به این پنداشت و تعریف، برخی از کارکردهای ارزش‌ها را می‌توان در عناوین ذیل مورد تأکید قرار داد:

۱. ارزش‌ها، شیوه‌های تفکر و رفتار ایده‌آل را مشخص می‌سازند.
۲. ارزش‌ها ابزاری برای قضاوت محسوب می‌شوند.
۳. ارزش‌ها توجه مردم را به امور فرهنگی مفید و مهم، جلب می‌کنند.
۴. ارزش‌ها در نقش‌پذیری و ایفای نقش‌های اجتماعی واقع‌گرایانه مردم تأثیرات بنیادین دارد.
۵. ارزش‌ها ابزاری برای کنترل اجتماعی و خویش‌داری هستند.
۶. ارزش‌ها مولد همبستگی اجتماعی هستند (Fichter, 1990)

### ۴- آموزش و آموزش ارزش‌ها

#### ۴-۱ آموزش

حیات یک جامعه بدون آموزش و تعلیم و تربیت امکان‌پذیر نیست. حیات جامعه و حفظ موجودیت و ماهیت، تداوم و توسعه آن از طریق نهادهای آموزشی هم در برآورد کلان و هم در نگاه بنیادین امکان‌پذیر است (Mialaret, 2001). آموزش فرایندی است که هدفش توسعه بیولوژیکی، روانی و اجتماعی اعضای جامعه می‌باشد (Thornburg, 1984). از این نظر، آموزش ساختاری نهادی است که به پیشرفت و توسعه هویت فرد کمک کرده و وی را از طریق انتقال داده‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌هایی که برای وی ضروری‌اند، برای زندگی آماده می‌کند. آموزش واجد سه کارکرد بنیادین برای جامعه است که عبارتند از:

### ۱. کارکرد حمایتی<sup>۱</sup>

آموزش، فرایندی است که ارزش‌ها و فرهنگ هر جامعه را به اعضای آن جامعه منتقل می‌کند. اعضای یک جامعه از طریق جامعه‌پذیری به هم‌نوایی و انسجامی دست می‌یابند که همکاری و یگانگی بین آنها را تسهیل می‌نماید (Macionis, 1997).

### ۲. کارکرد تغییردهنده<sup>۲</sup>

آموزش برای دستیابی بشر به شیوه‌های بهتر و الگوهای رفتاری مطلوب‌تر و همچنین تغییر الگوی نامطلوب ضرورت دارد.

### ۳. کارکرد تکوینی<sup>۳</sup>

این کارکرد مسیر را برای نوآوری فرهنگی و توسعه علمی یک جامعه هموار کرده که خود ابزاری برای بهبود ایده‌های نوین است (Macionis, 1997). یکی دیگر از اهداف آموزش «بهبود اجتماعی» است، بدین معنا که از طریق ارائه طرح‌های متفاوت، زندگی اجتماعی را بهبود می‌بخشد. جوامع نباید تنها به دانش موجود اکتفا کنند بلکه آنها باید برای ارتقاء سطح دانش و کشف دنیا‌های جدید تلاش کنند (Ozden, 1998). هدف نهادهای آموزشی تنها یاد دادن نیست بلکه این نهادها به دانش‌آموزان برای دستیابی و کسب کلیه ارزش‌ها و ضرورت‌هایی که برای زندگی بشر مورد نیاز است، کمک می‌کنند.

### ۴-۲ آموزش ارزش‌ها

بشریت می‌تواند به شیوه‌های متفاوت تعریف شود اگرچه در نخستین نگاه، انسان موجودی است که هم دارای ارزش است و هم خالق ارزش. بشر یگانه موجودی است که نیاز به زندگی با دیگران و ارتباط با یکدیگر دارد. هدف زندگی بشر تنها لذت بردن از دستیابی به مطلوبیت‌های مادی و آرمان‌های زندگی نیست بلکه بهبود بخشیدن به رشد و تکامل انسانی به عنوان یک فرد و تعالی روحی او نیز مد نظر است. در حالی که منلی‌هال<sup>۴</sup> معتقد است انسان بدون ارزش اخلاقی

---

<sup>۱</sup>. Protective Function

<sup>۲</sup>. Commutative Function

<sup>۳</sup>. Formative Function

<sup>۴</sup>. Manly Hall

، حیوانی وحشی است که در جهان رها شده است، تئودور روزولت<sup>۱</sup> تأکید می‌کند: آموزش یک انسان اگر در ذهن انجام شود ولی در نظام اخلاقی وی محقق نشود، یک تهدید اجتماعی محسوب می‌شود. هدف آموزش ارزش‌ها، تولید ارزش‌ها و پرورش افرادی است که ارزش‌های خود را به رفتار مبدل سازند. ارزش‌ها نمی‌توانند با گفتن یا توصیف برای دیگران محقق شوند بلکه باید مستقیماً این ارزش‌ها تجربه و درونی شده و بتوانند احساسات مثبت افراد را برانگیزانند. ارزش‌ها از طریق تجربه عملی و عمل به آنها هویت اجتماعی می‌یابند. پیش‌شرط آموزش ارزش‌ها، ایجاد فضای اجتماعی مناسبی است که نسل‌های جدید بتوانند آزادانه در آن، ارزش‌ها را یاد گرفته و به آن عمل نمایند. تعلیم و تربیتی که با زور، فشار، اجبار و یا تحمیل هر شرط و شرطی ارائه شود، موجب بروز تمایلات اجتماعی به ارزش‌های دیگر به جای آن ارزش‌ها می‌شود.

یکی از اهداف اصلی آموزش، دادن اطمینان فردی و آگاهی از هویت، موجودیت و فردیت خویش است. افرادی که فاقد چنین آگاهی یا جامعه‌پذیری مفرط هستند نمی‌توانند خلاق باشند. در جامعه‌پذیری مفرط<sup>۲</sup> بهره‌برداری و «مصرف دانش» بر «تولید دانش و اندیشه» غلبه دارد. عدم اطمینان به خود و فقدان خلاقیت تأثیر منفی بر توسعه اجتماعی دارد (Nickolov, 1991). با این وصف، جوامع باید افراد را از طریق آموزش ارزش‌ها به اعضای فعال و مؤثری برای جامعه مبدل سازند.

متغیرهایی مانند معلم، محیط یا جو مدرسه، خانواده، جامعه، محیط اجتماعی و... در کسب ارزش‌ها تأثیرات بسزایی دارند. تنها از طریق آموزش است که می‌توان به چنین اطمینانی دست یافت که افراد به شخصیت‌های توسعه یافته مبتنی بر ارزش‌ها دست یابند. بنابراین برای حفظ بقا، استمرار و آینده جامعه، تعمیق و درونی‌سازی ارزش‌ها ضروری است و این تنها از طریق آموزش قابل حصول است (Koenig, 2000).

توصیه فیلسوف بریتانیایی ویتهد (A. Whitehead) به کارشناسان آموزش اینست که: تلاش نکنید هر چیزی را به بچه‌ها بیاموزید اما آنچه آموزش می‌دهید به خوبی به او بیاموزید چون آن کودک می‌تواند آموختن و فکر کردن را یاد بگیرد (Whitehead, 1959).

<sup>۱</sup>. Theodore Roosevelt

<sup>۲</sup>. Excessive Socialization

هدف از نهادهای آموزشی تنها ارائه دانش نیست بلکه به دانش‌آموزان می‌آموزد تا ارزش انسانیت انسان را بیاموزند. هدف نخستین مدارس آموزش دادن ارزش‌هایی است که ممکن است در برنامه‌های، درسی پیش‌بینی شده یا نشده باشد. این ارزش‌ها شامل نظم‌بخشی به دانش‌آموزان مطابق با قواعد، قوانین و مقررات از یک‌سو و پیوند آنها با ارزش‌های اخلاقی و تأثیرگذاری مثبت بر نظام شخصیتی آنها، از سوی دیگر است.

ارزش‌ها، آرمان‌ها و ایده‌آل‌هایی هستند که یک جامعه می‌خواهد به آن دسترسی یابد. نهاد کلیدی و اصلی در دستیابی به این آرمان‌های جامعه نیز تعلیم و تربیت است. فکرت کانادا<sup>۱</sup> تأکید می‌کند که آموزش، عامل پویایی و عنصر مولد ایده‌آل‌های جامعه است. جوامع بدون آرمان‌ها نمی‌توانند سرزنده و پویا باشند (Kanad, 1942). تنها راه برای مبدل شدن به یک جامعه ارزشمند و یک جامعه اطلاعاتی<sup>۲</sup> و همچنین پایدار ماندن به عنوان یک ملت، فرایند آموزش است. آموزش ارزش‌ها به معنای اینست که مردم یک جامعه شکل و ماهیت مشترک و همسانی یابند. افراد در یک جامعه، خودشان را از دیگر جوامع متمایز می‌سازند و از طریق ترجیحات مشابه، رفتار قابل پیش‌بینی برای یکدیگر پیدا می‌کنند. این بدین معنی است که افراد در یک جامعه ترجیحات و رفتارهای مشترکی دارند (Bacanli, 2011).

جوامعی که چندان اعتنایی به ارزش‌ها ندارند و آن را از طریق جامعه‌پذیری به دیگر اعضای جامعه منتقل نمی‌کنند، نمی‌توانند تداوم یابند. نظام آموزشی‌ای که نمی‌تواند جنبه‌های محرک ارزش‌ها را مورد مشاهده قرار داده و به آنها توجه کند، همواره در دستیابی به اهداف با مشکلات مواجه است. در مجموع می‌توان گفت انتقال «ارزش‌های تصنعی» یا ناشناخته به افراد، بزرگترین فاجعه برای یک نظام اجتماعی است. به علاوه حوادث و وقایع اخیر اجتماعی و جهانی این سؤال را برای مردم مطرح کرده است که انسانیت کجا رفته است؟ آیا بشریت ملتزم به انسانیت خویشتن است؟ که این سؤالات ارمغان تعلیم و تربیت ارزش‌هاست.

مردم در یک جامعه انتظار دارند که فرزندانشان ارزش‌های ملی (- دینی) خود را پیش از ارزش‌های جهانی فراگیرند. جامعه می‌خواهد تا موجودیت خود را حفظ کرده و بتواند آن را با

<sup>۱</sup>. Halil Fikret Kanad

<sup>۲</sup>. Information Society

انتقال ارزش‌های خود به نسل‌های جدید تحقق بخشد. بدون شک این وضعیت به معنای چشم‌پوشی از ارزش‌های جهانی نیست.

مهم‌ترین مسائل در آموزش ارزش‌ها شامل موارد زیر است:

الف) یکی از مهم‌ترین مسائل آموزش ارزش‌ها، تعیین این اصل است که کدام ارزش‌ها باید محقق شود؛ برای مثال ارزش‌های اجتماعی (آداب و رسوم) و مرجعیت رسمی (دولت) جزو لاینفک آموزش ارزش‌ها هستند. بنابراین تصمیمات قانونی درباره اینست که کدام ارزش‌ها آموزش داده شود و یا اینکه چه ارزش‌های اجتماعی، مسئله اصلی در آموزش ارزش‌هاست که باید مورد توجه قرار گیرد.

ب) موضوع حیاتی دیگر در آموزش ارزش‌ها، تصمیم‌گیری برای آن است که چه ارزش‌هایی در سطح اجتماعی، ملی و یا جهانی در برنامه‌های آموزشی گنجانده شود.

ج) به علاوه، تصمیم‌گیری برای سطح متعلمان، روش و کمیت آموزش نیز در آموزش ارزش‌ها اهمیت دارد. برای مثال مهم‌ترین سال‌هایی که در شکل‌گیری ارزش‌های دائمی اهمیت دارد، دوران کودکی است؛ زمانی که هنوز ذهن کودکان ناب و خالص است. تغییر ارزش‌هایی که در این سال‌ها در ذهنیت شکل می‌گیرد بسیار سخت است. به همین ترتیب، تحمیل ارزش‌ها در نوجوانی و سطوح بالاتر آموزشی به نتایج و انتظارات متضادی منتهی می‌شود (Çengel, 2011).

د) آخرین و کوچکترین موضوع در آموزش ارزش، تصمیم‌گیری درباره نوع، مدل یا شیوه‌ای است که دنبال می‌شود. عوامل زیادی (مانند خانواده، مدرسه و رسانه) در شکل‌گیری دنیای ذهنی و اخلاقی فرد نقش دارد. بدون هماهنگی هم‌افزای نهادهای مذکور، ارزش‌هایی که در مدارس آموزش داده می‌شوند برای آموزش ارزش‌ها کارآمد و کافی نخواهد بود. از این نظر، این موضوع اساسی است که چنین نهادهایی برای تحقق این اهداف باید به مدل و چارچوب مشترکی دست یابند.

### نتیجه‌گیری

ارزش‌ها به عنوان معیارهای اجتماعی، باورهای بنیادینی برای تمایز درستی و نادرستی امور هستند. با افزودن تعادل و معنا در زندگی، ارزش‌ها، افراد را برای زندگی با یکدیگر در جامعه توانا می‌سازد. اگرچه ارزش‌ها امر ذاتی نیستند با این حال، آنها آموخته می‌شوند و از طریق مشاهده و

تعامل منتقل می‌شوند که نقش و مسئولیت مدارس برای آموزش ارزش‌ها اولویت دارد. جامعه همواره به دلیل ویژگی پویایی اش در حال تغییر و تحول است. تغییرات و توسعه در یک جامعه نتیجه نیازها، وقایع و مسائل جدید در طول زمان است. این تغییرات می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد که تغییرات مثبت نیاز است ادامه یافته و تعمیم داده شود و تغییرات منفی نیز باید به تغییرات مثبت مبدل گردد. تنها راه تحقق این امر مهم نیز، آموزش ارزش‌هاست. به طور مشابه بهترین و کم‌هزینه‌ترین شیوه اجتناب از بیماری‌های اجتماعی، حمایت از ساختار اجتماعی و بهبود آن در نظام آموزش ارزش‌هاست.

به منظور ارائه آموزش مؤثر، در گام نخست درک برنامه‌ریزی شده و منطقی از آموزش ضرورت دارد. همچنین به منظور تحقق ارزش‌ها و در جهت دستیابی به رفاه، این امر ضرورت دارد که در نظام برنامه‌ریزی آموزشی، آموزش ارزش‌ها به طور روشن و شفاف گنجانده شود و نیز به معلمانی نیاز است که دارای چارچوب فکری مؤثر، قدرت تخصصی بالا و مهارت‌های آموزشی کافی باشند. موجودیت یک جامعه به ارزش‌های آن و باور به ارزشمند بودن آنها بستگی دارد. بنابراین ارزش‌ها پایه و اساس شکل‌گیری فرهنگ هر جامعه هستند. این تفکر مهم است که یک فرهنگ بدون ارزش‌ها دچار از هم گسیختگی شده و اعضای آن فرهنگ، یگانگی و ارزش خود را از دست خواهند داد. بنابراین ارزش‌ها برای حیات اجتماعی اساسی بوده (آنها پیش از عمل انسانی، نهادها و هنجارها بروز می‌یابند) همان‌طور که بنیانی برای شکل دادن به جامعه هستند. اگرچه آموزش ارزش‌ها، فرایند آموزش امور مهم و ارزشمند است اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که آموزش، امری پویا و زنده است؛ به این دلیل که آن ارزش‌ها ممکن است در محیط اجتماعی و یا رفتار بزرگسالان چندان تجلی نداشته باشد. «مسائل و مشکلات اجتماعی» در جایی گسترش می‌یابد که ارزش‌ها فاقد کارکرد لازم باشند.

مسائل اجتماعی در ارتباط با ارزش‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. مسائل اجتماعی زمانی بروز می‌یابد که ارزش‌های مهم محقق نشده و بین ایده‌آل‌ها و واقعیت‌های اجتماعی شکاف ایجاد شود. مسائل اجتماعی نهایتاً محصول عدم تناسب بین ارزش‌ها و هنجارهای موجود در یک جامعه و رفتار اجتماعی واقعی اعضای جامعه است. آموزش ارزش‌ها، در واقع آموزش مجموعه‌ای از اصولی است که ترجیحات اجتماعی مردم را تعیین می‌کند و این امر برای یک جامعه حیاتی است که مطابق اصولی سازمان یابد که آن اصول مورد تأیید مردم بوده و از طریق آموزش ارزش‌ها آن اصول به تک‌تک اعضای جامعه منتقل شود. برای داشتن یک جامعه و جهان صلح‌آمیز این امر حیاتی است که فرهنگ‌ها توسعه یافته و ارزش‌های مشترک تعمیم یافته به تمامی مردم منتقل شود.

بهترین شیوه برای انجام آن نیز آموزش ارزش‌ها است. آموزش ارزش‌ها، بنیانی مستحکم برای بهتر شدن انسان، جامعه و جهان است.

## منابع

- Aydın, M (2011), Values, *functions and morals*. Eğitime Bakış, 19, 39-45.
- Bacanli, H (2011), *Value is valuable*. Eğitime Bakış, 19, 18-21.
- Barbu, Z (1971), *Society, culture and personality*. Oxford: Basil Blackwell.
- Çengel, Y (2011), *Human values for a safety future*. Eğitime Bakış, 19, 13-17.
- Coser, L (1977), *Ideas in historical and social context: Masters of sociological thought*. USA: Harcourt Brace Jovannovich, Inc.
- Doğan, İ (2011), *Sociology of education*. Ankara: Nobel Yayınları.
- Ergil, D (1984), *Society and human*. Ankara: Turhan Kitabevi.
- Fichter, J (1990), *what is sociology?* (Translated by Çelebi, N.). Ankara: Attila Bookstore.
- Inkeles, A (1964), *what is Sociology?* USA Englewood Cliffs: Prentice-Hall,
- Kanad, H. F (1942), *National idealism and national education*, (Milliyet ideali ve topyekün milli terbiye), Ankara: Çankaya Matbaası.
- Koenig, S (2000), *Sociology*, (Translated by S. Sucu & O. Aykaç), İstanbul: Ütopya Kitabevi.
- Macionis, J (1997), *Sociology*. New Jersey: Prentice-Hall International.
- Mialaret, G (2001), *Les sciences de l'éducation* (Translated by: H. Izgar & M. Günşel). Ankara: Nobel.
- Nickolov, L (1991), *Everyday values vs. over socialization*. International Sociology, 6, 375-379.
- Özden, Y (1998), *Transformation of education*, (Eğitimde dönüşüm). Ankara: Pegem Publications.
- Sabri, F. Ü (1991), *Mental and ethic dimension of economic dissolution* (İktisadi çözümlenin ahlak ve zihniyet dünyası). İstanbul: Der Yayınları.
- Soykan, Ö. N (2007), *is it possible a general valuable human moral?* (Genel geçer bir ahlak olanaklı mıdır?). In K. Recep (Eds), Değerler ve Eğitim (pp 48-59), İstanbul: Dem Yayınları.
- Thornburg H. D (1984), *Introduction to educational psychology*. New York: West Publishing Company.
- Türkdoğan, O (1982), *Matter of national culture in the Turkish sociology*. (Türk sosyolojisinde milli kültür meselesi), Türk Dünyası Araştırmaları Dergisi, 18, 149-155.
- Ulgener, F.S (1991), *Ethics and the mentality of the Economic Disintegration Era*, Der, Yayınları, İstanbul.
- Ülken, H. Z (2001), *Knowledge and value* (Bilgi ve değer). İstanbul: Ülken Yayınları.
- Whitehead, A (1959), *the aims of education*. New York: Macmillan.